

نامه به سردبیر

از زبان استاد یا از نگاه اینترنت

دکتر عبدالحمید میرزا حسابی*

یاد دارم که در یکی از کنگره‌های کالج جراحان آمریکا در فاصله استراحت دو جلسه، در گوشه‌ای نشسته بودم که دیدم گروهی از جراحان با شتاب به طرف یکی از سالن‌های سخنرانی می‌روند و به دنبال آنها گروه‌های دیگری که از سالن‌های دیگر خارج می‌شوند به سرعت به طرف همان سالن می‌روند.

به خودم گفتم مگر در آن سالن چه خبر است و چه سخنرانی مهمی قرار است ایراد شود که سیل جراحان به آن طرف گسیل شده است؟!

کنجکاوانه من هم به آن طرف رفتم و به سختی در گوشه‌ای جایی پیدا کردم و مشتاقانه ایستادم. وقتی متوجه عنوان سخنرانی شدم:

« تجارتي از جراحی فتق کشاله ران »

بیشتر شگفت زده شدم، چرا که این جراحان کم و بیش سالمند که هر کدام مسلماً تعداد زیادی عمل فتق انجام داده‌اند، به دنبال چی هستند که با چنین ولعی اینجا تجمع کرده‌اند! چه می‌خواهند بشنوند که نمی‌دانند؟ در این حیص و بیص بودم که سخنران که شاید سنی حدود هشتاد سال داشت و بسیار شیک و آراسته بود وارد شد و تمامی جراحان نشسته هم به پا خواستند و لحظاتی طولانی برایش کف زدند.

شروع به صحبت کرد و با بیانی بسیار رسا و جذاب از تجارت ارزنده خود گفت: بسیار نکاتی که می‌دانستیم و بعضی تجارب شخصی او که آموختیم و جالب سکوتی بود که سراسر سالن را فراگرفته بود.

در پایان کلام استاد چشم به چند تن از جراحان هم‌وطن آمریکائی شده افتاد که در بین جمعیت شرکت‌کنندگان بودند. از فرصت استفاده کردم و شگفتی خود را با آنها درمیان گذاشتم که این همه شور و هیجان و استقبال از این استاد به چه دلیل است؟

همه آنها ضمن ستایش از سخنران و سابقه تدریس و کلاس‌های پرشورش گفتند و تأکید بر اینکه این استادی است که کلام مطلوب را باید از زبان او شنید.

به راستی شنیدن از زبان استاد چیزی است که جانشینی برای آن وجود ندارد، حتی اگر آن استاد پیر و بازنشسته باشد.

* استاد گروه جراحی عمومی، بیمارستان مدائن

تاریخ وصول: 1397/07/02

تاریخ پذیرش: 1397/07/30

... یادم افتاد که یکی از استادان قدیمی در بیمارستان سینا سخنرانی داشت. در راهروئی که به طرف سالن کنفرانس می‌رفت دو تن از دستیارها را دیدم که مشغول صحبت کردن بودند، گفتم مگر شما به سالن نمی‌آئید؟ نگاهی استفهام‌آمیز - نمی‌دانم شاید هم استهزاء آمیز به من کردند و یکی از آنها گفت: می‌دانیم آن استاد درباره چه مطلبی می‌خواهد صحبت کند. دیگری هم دست در جیب کرد و گوشی هوشمندش را درآورد و با فشار چند دکمه گفت: همه حرف‌های استاد اینجا هست و دیگر نیازی به اتلاف وقت نیست!

این را گفتند و بطرف خروجی راهرو روانه شدند.

... و باز من ماندم و این سؤال که با وجود تمامی پیشرفت‌های تکنولوژی دنیای مجازی می‌توان اینترنت را جانشین کلام

استاد نمود؟

فکر نمی‌کنم، چرا که:

هر که چیزی یاد گیرد باید از استاد گیرد

عاشقی را باید از پروانه عاشق یاد گیرد